

محدثه رضایی

میخواهم بروم



زهره آقامیری

صبح امروز که از خواب بیدار شدم، نگاهی به تقویم روی ساعت انداختم که یک‌دفعه ناخودآگاه آه کشیدم! کنار پنجره رفتم و یک نفس عمیق کشیدم! درست است خودش بود! با همان عطر مرموز هر سالش که شادی و دلواپسی را یکجا به جان آدم می‌اندازد! شادی امید و دلواپسی از دست دادن! امید به حیاتی که هنوز ادامه دارد و دلواپس از دست دادن فرصتی که دوباره برای زندگی کردن به تو داده‌اند!

مگر چیز کمی است که یک صبح چشم باز کنی و ببینی تمام کسالت طبیعی زمستان - که هر چند حس و حال خودش را داشت - جایش را به طراوتی بی‌نظیر داده است؛ به یک بهشت دوباره. صدای آواز گنجشک‌ها و چلچله‌ها که دیگر داشت از یاد می‌رفت، مثل صدای همه‌همه کودکانه‌ای به گوش می‌رسد و باد سرکش زمستان جایش را به نسیم سرخوش بهار داده است!

درست است! خود بهار بود! با همان عطر مرموز هر سالش که شادی و دلواپسی را یکجا به جانت می‌اندازد!

عکانه



نزدیک است که می‌شود موهای طلایی‌اش را بافت و بهش چند تا گل سر زد از جنس ابرهای نرم که مثل بستنی قیفی هستند، چقدر آنجا خوب است. وقتی باران می‌بارد می‌شود پنجره را باز کرد و باران را بغل کرد. آنجا می‌توان هر قدر دلت خواست تخمه بشکنی و کتاب و مجله بخوانی. آنجا خیلی کتاب دارد. دیوارهایش از کتاب است. کوچه‌هایش مثل راهروهای تنگ کتابخانه پر از کتاب است. من آنجا را دوست دارم. بوی کاغذ و کتاب‌هایش را دوست دارم. بویخ خورده‌ای است. دوست دارم به جای اینکه کتاب‌ها را بخوانم، بخورم. دوست دارم همان جور که دارم در کوچه‌هایش قدم می‌زنم، باران بیاید و من و تمام کتاب‌ها خیس شویم. آن قدر خیس شویم که پاک شویم. شسته شویم. بعد با قطره‌های باران تخیل شویم. برویم آن بالا. ابر شویم و بعد دریا شویم. خوش به حال قایق‌ها که در دریا قدم می‌زنند. چقدر خوشبختند. چه باران‌های رنگارنگی دارند. من نمی‌دانم وقتی با آن سرعت می‌گذرند، کله ماهی‌ها با آنها تصادف نمی‌کند؟

می‌خواهم بروم. می‌خواهم به شهری بروم که پر از سبز باشد. دوست دارم از درخت‌هایش بالا بروم. گیلان بچینم و آن قدر بخورم که لب‌هایم قرمز قرمز شود. دوست دارم با گیلان برای همه دخترها گوشواره درست کنم. دوست دارم از آن بالا روی سر همه کسانی که رد می‌شوند برگ بریزم. یک برگ‌ریزان درست و حسابی درست کنم! یک برگ‌ریزان که شبیه برگ‌ریزان‌های پاییز است. می‌خواهم برگ‌های سبز درخت‌ها را بکنم و بریزم پایین. دوست دارم آن بالا آن قدر کوچک شوم که بتوانم در لانه پرندوها زندگی کنم. آن قدر آنجا زندگی کنم که بوی درخت بگیرم. بوی خورشید که لابه‌لای شاخ و برگ‌ها پرسه می‌زند. دوست دارم بروم. می‌دانم دوست دارید شما هم بیایید. باشد، حرفی ندارم. اتفاقاً آنجا که می‌خواهم بروم آدم‌های مثل شما زیاد است. من خیلی خوشحالم که آنجا پر از آدم است. آخر من جمعیت را دوست دارم. دوست دارم یک جا شلوغ باشد و پر رفت و آمد. از تنهایی بدم می‌آید. اگر دوست دارید بیایید، فقط بچینید؛ چون من عجله دارم. بال‌هایم را برس کشیده‌ام، بهشان عطر زده‌ام و روی اولین درخت نشسته‌ام تا صعود کنم.

سفر کردن خوب است. سفر به آنجایی که دوست داری. سفر به جایی که می‌دانی دوست دارند و در انتظار تو هستند. سفر کردن را دوست دارم. سفر به آسمان شهری دیگر. سفر به جایی که پرندگان تو را می‌شناسند و آسمان را با تو یکسان تقسیم می‌کنند. امروز دلم گرفته است. دوست دارم بدوم. بدوم به یک جای خوب و سرسبز مثل بهشت. دوست دارم بروم. دیگر از این محیط تکراری و یکنواخت خسته شده‌ام. صبح‌ها که چشم باز می‌کنم فقط خودم را می‌بینم. از این من همیشگی دلم می‌گیرد. دوست دارم عوض شوم. دوست دارم بروم جایی که دریا داشته باشد. جایی که قایق داشته باشد. دوست دارم بروم بینم پشت دریاها چه شهری است. قاب‌های تکراری اطرافم مرا از اینکه هر روز در حال تکرار شدنم آگاه می‌سازد. مثل عقربه ساعت در حال تکرارم. نه شعر تازه‌ای! نه داستان تازه‌ای! نه هیجان تازه‌ای! نه، باید کاری بکنم. چمدانم را ببندم؛ چند تا کتاب، چند تا ورق و بروم. جاده را بگیرم و بروم. بروم آنجا که آسمانش جور دیگری است. آنجایی که پرواز پرندگان آدم را از خود بی‌خود می‌کند. نمی‌دانم آنجا کجاست، اما هر کجا که باشد مثل اینجا نیست. آنجا می‌توانم هر چقدر خواستم در پیاده‌روهایش بنشینم و عبور و مرور رهگذران را نگاه کنم. رهگذرانی که مثل جریان یک رود می‌گذرند و پر از تازگی‌اند. دوست دارم آنجا هر روز عصرها با دخترخاله‌ام سمانه بروم کوه. آنجا بالای کوه بنشینیم و به آدم‌ها، خانه‌ها و درخت‌ها که کوچولو شده‌اند در سکوت نگاه کنیم. آن قدر بمانیم تا شب شود. همه جا تاریک شود و بترسیم و خاله زنگ بزند پس کجایی؟ و ما برای اینکه نگران نشود مجبور شویم به دروغ بگوییم الان پایین کوه هستیم و داریم می‌آییم. آنجا چقدر خوب است. آنجا خورشید نزدیک‌تر است. آن قدر